

New Schools in Contemporary of Iran

مدارس جدید به نهادهای آموزشی گفته می‌شود که در دوره قاجار پس از فرازونشیب‌های اجتماعی و فرهنگی و گاه کشاکش‌ها و مخالفت‌های سنت‌گرایان (رشدیه، ۱۳۶۲) یکی بعد از دیگری از سوی اصلاح‌گران اجتماعی و فرهنگی تأسیس شد (قاسمی پویا، ۱۳۷۷). برای نخستین بار در این مدارس به روش جدید آموزش داده شد که با روش تدریس سنتی مکتب‌خانه‌ها تفاوت‌های بسیار داشت. به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان این مدارس در مدت کم یعنی در عرض سه یا چهار ماه می‌توانستند خواندن و نوشتن را در حد ابتدایی یاد بگیرند.

به این سبب مدرسه‌های جدید مورد توجه قرار گرفت که روش‌های سخت آموزش در مکتب‌خانه‌ها باعث می‌شد گاهی پس از چند سال، دانش‌آموز قادر به خواندن و نوشتن نشود؛ یا با تحمل سختی‌هایی و در مواقعی با تنبیه‌های گوناگون بدنی از سوی مکتب‌دار، بتواند بخواند و بنویسد. همین سختی روش آموزش و سخت‌گیری‌های غیرمنطقی مکتب‌دارها سبب می‌شد، بسیاری از دانش‌آموزان از مکتب‌خانه‌ها فرار کنند و یا حاضر به شرکت در این مکتب‌خانه‌ها نباشند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۲-۹۱). وضعیت نامناسب آموزشی بسیاری از مکتب‌خانه‌ها سخت در معرض منتقدان آموزشی قرار گرفت. بیشتر منتقدان و تحلیل‌گران آموزشی با اشاره به پیشرفت‌های آموزشی در کشورهای غربی و مقایسه آن با وضعیت آموزشی در ایران آن روزگار، هدف‌های آموزشی، روش‌ها، محتوا، معلمان، میزان دانش و آگاهی آنان، وسایل آموزشی، نحوه ارزش‌یابی، مکان، وضعیت بهداشتی، اعمال تنبیه‌های بدنی و جز اینها را، پیوسته آماج انتقادهای خود قرار دادند (همان).

بسیاری از اندیشمندان، نویسندگان و شاعران این مطلب را در خارج و داخل کشور، در روزنامه‌ها، خطابه‌ها، بحث‌های

اجتماعی و سیاسی در انجمن‌ها و محفل‌های گوناگون مطرح کردند. به‌گونه‌ای که مسئله آموزش و روش‌های آن مطلب جدایی‌ناپذیر در سخنان و نوشته‌های این اندیشمندان قرار گرفت و همین امر، از دیگر عوامل مؤثر در پیدایی مدارس جدید بود.

این سخنان، همانند دیگر سخنان نو، گاهی با مخالفت‌هایی مواجه می‌شد، و نیز گاهی با کشته شدن دانش‌آموز یا مصدوم شدن بانیان مدارس جدید به پایان می‌رسید (قاسمی پویا، ۱۳۷۷؛ رشدیه، ۱۳۶۲: ۳۱-۳۳).

انتقاد از مکتب‌خانه‌ها خود نتیجه تحولاتی بود که در آن روزگار یکی بعد از دیگری رخ می‌داد. برای نمونه، آموشدهای ایرانیان با غربی‌ها به‌ویژه کشورهای اروپایی، آگاهی‌های نسبی برخی از حکومت‌گران و اندیشمندان اجتماعی و سیاسی از پیشرفت‌های کشورهای غربی و برخی از کشورهای هم‌جوار؛ اعزام محصل به خارج از کشور و طرح دیده‌ها و شنیده‌های آنان پس از بازگشت به کشور. [برای آگاهی از اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجار ← (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۹۲-۱۰۵؛ سرمد، ۱۳۷۲؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۱۲۲-۱۹۶ و ۳۲۰-۳۶۶)؛ شکست پی‌درپی در جنگ‌ها و احساس نیاز به علوم و فنون جنگی و غیرجنگی برای نمونه یکی از هدف‌های تأسیس دارالفنون (ششم دی ماه ۱۲۳۰ ش. / پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ق.)، دستیابی به علوم و فنون جنگی بود به‌گونه‌ای که برخی از درس‌های این مدرسه را علوم نظامی، توپخانه، جغرافی و تهیه نقشه، پل‌سازی و راه‌سازی و جز اینها تشکیل می‌داد که می‌توانست در جنگ‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ← (قاسمی پویا، همان؛ روشنی، ۱۳۵۴؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۵۳-۳۱۱؛ آدمیت، ۱۳۵۶)]. برای نخستین بار میرزا صالح شیرازی دستگاه چاپ و روزنامه را پس از برگشت از فرنگ با خود به ایران آورد و سفرنامه‌ای هم منتشر کرد که در آشناسازی ایرانیان با فرهنگ نو و مدرسه‌های جدید مؤثر افتاد (صالح شیرازی، ۱۳۶۴). در آن روزگار، روزنامه و جراید نقش بسیار مؤثری در آگاه‌سازی

جامعه داشت. میرزا حسن رشدیه (۱۲۶۷-۱۳۶۳ ق) بنیان‌گذار مدرسه جدید در ایران آورده است که: پس از مطالعه روزنامه اختر [برخی روزنامه ثریا ذکر کرده‌اند] (کسروی، ۱۳۵۷: ۴۰) متوجه شدم که در مقایسه با کشورهای غربی وضع آموزش ما بسیار نامناسب است و بر آن شدم تا برای خارج شدن از این وضعیت اقدام‌هایی انجام دهم (رشدیه، ۱۳۶۲). از عوامل مؤثر دیگر در پیدایش و گسترش مدرسه‌های جدید، اندیشه‌های نوین کسانی بود که برای ایجاد تغییر و تحول در جامعه آن روزگار مطرح می‌کردند. این کوشندگان تحول‌خواه، در جای‌جای سخنان و نوشته‌های‌شان به ضرورت تغییر روش‌های تربیت و آموزش تأکید می‌کردند. برخی از این کوشندگان عبارت بودند از:

میرزاتقی خان امیرکبیر (۱۲۲۲-۱۲۶۸ ق). پرورده خاندان قائم‌مقام‌فراهانی که در کنار همین خانواده، دانش معمول آن روزگار را آموخت. پس از عهده‌دار شدن مناصب دیوانی و سفر به روسیه و عثمانی بود که با دانش نو آشنا شد و سپس در گسترش آن در ایران کوشید. آنگاه که در زمره دبیران با بلندپایگان ایران آن روزگار به روسیه سفر کرد، جوانی بیست و دو ساله بود. در این سفر هر روز به دیدن مراکز علمی و صنعتی روسیه می‌رفتند. هنگامی که میرزاتقی خان در تفلیس از مرز ایران گذشت، مدارس و علوم و فنون جدید را از نزدیک مشاهده کرد و بسیار تحت تأثیر آنها قرار گرفت. در همین شهر بود که متوجه شد آنان حتی کر و لال‌ها را نیز آموزش می‌دهند. این هیئت اعزامی دیده‌ها و شنیده‌های خود را در سفرنامه‌یشان نوشتند که همه نشان از شگفت‌زدگی آنها از پیشرفت‌های آن دیار در عرصه‌های علمی و آموزشی داشت. سیزده روز پیش از قتل وی در ۱۲۶۸ ق حاصل این تلاش‌ها، تأسیس دارالفنون در ایران بود که افتتاح شد.

فتحلی آخوندزاده (۱۲۲۸ - ۱۲۹۵ ق). بنیاد تفکر

آخوندزاده درباره آموزش نوین را، تغییر خط الفبای فارسی تشکیل می‌داد. وی معتقد بود که پیشرفت‌های اجتماعی در گرو تحول در عرصه‌های علوم و فنون جدید است، برای دست یافتن به این مهم باید بی‌سوادى را ریشه‌کن کرد و برای این منظور نخست لازم است فرهنگ املائی خط را تغییر داد و مدرسه‌های نوگشود. وی به این بهانه، از روش‌های آموزش آن روزگار انتقادهای بسیاری کرد. گرچه آن انتقادهای در بسیاری موارد بجا بود، اما راه‌حل مسائل آموزشی تغییر خط نبود.

میرزا ملکم خان (۱۲۴۹ - ۱۳۲۶ ق). وی معتقد بود که ترقی هر ملتی تبعیت آنان از علوم و فنون جدید است. وی بر این باور بود که برای ایجاد مدارس جدید در کشور لازم است در همه نهادهای کشور تغییر و تحول به‌وجود آید. او معتقد بود اگر از یک سو مدرسه تأسیس کنیم، اما از سوی دیگر ذره‌ای اعتقاد به علم نو نداشته باشیم، قادر نخواهیم بود به پیشرفت و ترقی دست یابیم.

میرزایوسف خان مستشارالدوله (۱۳۱۳ ق). آوازه وی بیشتر به نوشتن رساله‌ای با نام یک کلمه است. او فصلی از این رساله را به مسائل آموزش و پرورش اختصاص داد و در نوشته‌های دیگرش نیز از گسترش مدارس جدید سخن گفت. وی افزون بر رساله یک کلمه کتاب‌هایی نیز درباره تربیت نوشته است که کتاب تعلیم الاطفال و کتاب حساب از جمله آنهاست. وی نیز به تغییر خط فارسی اعتقاد داشت.

عبدالرحیم طالبوف (۱۲۵۰-۱۳۲۹ ق). طالبوف از اندیشمندان برجسته تربیتی در دوره قاجار بود که بیش از دیگران درباره تعلیم و تربیت و مسائل آن سخن گفته است. مشهورترین اثر وی کتاب احمد نام دارد که در روزگار قاجارها و پس از آن، از نمونه کتاب‌هایی است که خواننده

روش‌های آن نیز از جمله مطالبی است که وی از آنها سخن گفته است. چنان‌که علاقه‌ای به گشایش مدارس نو داشت که وقتی از مدرسه دارالفنون بازدید می‌کند تخته سیاه آن را می‌بوسد و با احترام زیاد از آن یاد می‌کند.

میرزا حسن رشیدی (۱۲۶۷-۱۳۶۳ ق.). از نخستین بنیان‌گذاران مدارس جدید در ایران است. طالبوف سراسر عمر خود را صرف تعلیم و تربیت کرد و در این راه رنج‌ها برد و تهمت‌ها شنید؛ اما از پای ننشست. اقدام آموزشی وی نقطه عطفی در روش آموزش و تلاش برای گشودن مدرسه جدید در ایران است که دیگران نیز به پیروی از وی در سراسر ایران مدرسه‌های جدید را گشودند. رشیدی که بعدها به «پیر معارف ایران» معروف شد به روزنامه خواندن بسیار علاقه‌مند بود. در کتاب درسی کفایت‌التعلیم نوشته است که روزنامه‌های ثریا بسی تاریکی‌ها را روشن کرد. در یکی از شماره‌های این روزنامه نوشته بود که در اروپا از هر صد نفر یک نفر بی‌سواد است و در ایران از هر هزار نفر یک نفر باسواد است و این از بدی اصول تعلیم است. همین سخنانی که در این روزنامه و جاهای دیگر، درج شد میرزا حسن رشیدی را برانگیخت تا برای اصول تعلیم راه‌های نوینی را طراحی و اجرا کند. به این منظور به لبنان رفت و وارد دارالمعلمین شد (۱۲۹۸ ق / ۱۸۸۱م) و آنجا بود که با اصول جدید آموزش آشنایی پیدا کرد و هنگام برگشت از استانبول با مدرسه‌های جدید آشنا شد و روش آنها را پسندید. مدارس ابتدایی در عثمانی را رشیدی می‌گفتند (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۱). از این‌رو میرزا حسن هم خود و هم مدرسه‌اش رشیدی نام گرفت. وی از آنجا به ایروان رفت و در آنجا مدرسه‌ای تأسیس کرد. ناصرالدین‌شاه در برگشت از فرنگ از آن مدرسه بازدید کرد ولی در راه این سفر دستور بسته شدن مدرسه را داد (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۱۹۰-۱۹۱). پس از مدتی در سال ۱۳۰۵ ق / ۱۲۶۷ ش. رشیدی به ایران آمد

و طرف‌دار بسیار داشت. این کتاب تقلیدی از کتابت امیل ژان ژاک روسو است، به گفته خود وی خواسته است امیل غربی را با احمد شرقی آشتی دهد. در آثاری که از وی به جا مانده، جای‌جای از لزوم و ضرورت گسترش مدارس و آموزش جدید و علوم و فنون نو سخن گفته است. او در گسترش مدارس جدید نقش مؤثری داشته است.

میرزا تقی خان کاشانی (متولد ۱۲۵۶ ق.). طبیب مخصوص ظل‌السلطان و از دانشمندان به نام روزگار خویش بود. گرچه در زمینه علوم و فنون زمانه خویش گنجینه دانش بود، اما درباره تربیت نو نیز اندیشه‌های جدیدی را مطرح کرد. تفکر تربیتی وی در رساله‌ای با نام تربیت آمد. در این رساله وضعیت آموزش مکتب‌خانه‌ای را سخت به باد انتقاد گرفت و در بیان خاطرات کودکی‌اش از این نهاد آموزشی آن را به خانه بومان تشبیه کرد. خود آورده است که این رساله را در ۱۲۹۲ ق آغاز کرده است و آن را به بهانه بهتر کردن وضع مکتب‌خانه روزگار خویش نوشته است. در این رساله خطاب به یکی از هم‌درسان خود آورده است: «برادر جان خیالاتم بسیار پریشان است از تربیت هموطنان و از مآمولات (امیدها) مآیوسم». میرزا تقی خان کاشانی تنها کسی است که برای پیشرفت آموزش و پرورش آن روزگار طرحی مفصل داد و به مؤلفه‌های نظام آموزش و پرورش نو پرداخت. این طرح تقلیدی از نظام آموزش و پرورش کشورهای غربی در آن روزگار است.

حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۳۲۸-۱۲۵۵ ق.). شهرت وی به نوشتن کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ است (مراغه‌ای، ۱۳۶۴). گفته‌اند این کتاب به اندازه لشکری به انقلاب مشروطیت یاری رسانده است. در این کتاب بود که وی از دیده و شنیده‌های سراسر ایالات و ولایات ایران سخن گفته است. وضع نابسامان آموزش و ضرورت اصلاح

و در تبریز نخستین مدرسه ابتدایی را تأسیس کرد. این مدرسه نخست با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد که منجر به تخریت و ویرانی آن شد. او از پای ننشست و مدرسه‌های جدیدی در مشهد و جاهای دیگر تأسیس کرد و سرانجام مدرسه‌های جدید در سراسر ایران گسترش یافت (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۱۸۸ - ۲۱۴)؛ رشدیه، ۱۳۶۲؛ امید، ۱۳۳۲ - ۱۳۳۴: ۴۹ - ۵۱؛ دولت آبادی، ۱۳۶۲). شهرت رشدیه به روش جدید آموزشی است که در مقایسه با روش تدریس در مکتب‌خانه‌ها بسیار آسان بود. [← قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۲-۹۱؛ رشدیه ۱۳۶۲؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲]. رشدیه همه عمر خود را به فعالیت‌های فرهنگی گذراند و از بنیانگذاران مدرسه جدید و منتقدان روش آموزش مکتب‌خانه‌ای بود. فعالیت‌های وی در تأسیس مدارس جدید و شرکت در انجمن معارف ایران و نگاشتن روزنامه و تألیف کتاب درسی برای مدارس و جز اینها، به اندازه‌ای بود که برخی او را پس از امیرکبیر یکی از بنیان مدارس جدید در دوره قاجار می‌دانند [← حیات یحیی].

افزون بر افرادی که بدان‌ها اشاره شد، کسان دیگری نیز در گسترش مدارس جدید نقش داشتند [← قاسمی پویا، ۱۳۷۷].

پیدایش مدرسه‌های جدید با دشواری و به‌کندی صورت گرفت به‌گونه‌ای که از تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ق) تا تأسیس نخستین مدرسه ابتدایی در تبریز (۱۳۰۵ ق) نزدیک به ۳۷ سال طول کشید. پس از مشروطیت شمار این مدارس به فزونی رفت و روند به نسبت بالنده‌ای پیدا کرد. گسترش این مدارس در آن زمان با انتقادهایی هم مواجه شد؛ به‌این ترتیب هرکسی به دلایل گوناگون حتی برای کسب شهرت می‌کوشید تا مدرسه تأسیس کند. اما هیچ‌کس به فکر تربیت معلم نیفتاد. در ۱۲۹۰ ش بود که در قانون اعزام محصل به خارج از کشور قید شد که ۱۵ نفر از محصلان اعزامی در رشته تعلیم و تربیت تحصیل کنند؛ یا در ۱۲۹۷ ش

بود که دارالمعلمین مرکزی تأسیس شد. (صدیق، ۱۳۴۲). از این به بعد به‌ویژه در دوره رضاشاه بود که مدارس گستره بیشتری پیدا کرد و افزون بر مدارس پسرانه، مدارس دخترانه نیز رشد نسبی یافت (همان). پایه‌ای گسترش مدارس جدید که مبتنی بر روش آموزش جدید بود، در تربیت معلم، محتوا، نحوه ارزش‌یابی، آیین‌نامه مدارس، مقاطع گوناگون آموزشی، همکاری مدرسه - خانواده‌ها تحولاتی ایجاد شد. [← قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۵۷-۵۶۹؛ صدیق، ۱۳۴۲؛ فصل‌های یازدهم و دوازدهم؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲؛ امید، ۱۳۶۲؛ صفوی، ۱۳۸۳؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴].

کتابشناسی

- امید، حسین ۱۳۳۲-۱۳۳۳، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۱. تبریز: اداره فرهنگ آذربایجان شرقی.
- مؤمنی، باقر (۱۳۵۱) مقالات میرزافتحعلی آخوندزاده. تهران: آوا.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹) اندیشه‌های میرزافتحعلی آخوندزاده. تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶) امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
- کاشانی، تقی‌بن‌محمد هاشم (۱۳۹۷) تربیت؛ نامه‌ای در قواعد تعلیم و تربیت اطفال و اندرنامه لرد برلی. به کوشش اسفندیار معتمدی. تهران: انتشارات مدرسه.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی. تهران: انتشارات عطار و فردوسی.
- رشدیه، شمس‌الدین (۱۳۶۲) سوانح عمر. تهران: نشر تاریخ ایران.
- روشنی، قدرت‌الله (۱۳۵۴) دارالفنون و امیرکبیر: مجموعه خطابه‌های ایراد شده در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۶۴) سیاحتنامه ابراهیم بیک، ترجمه محمدعلی سپانلو، تهران: نشر اسفار.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲) اعزام محصل به خارج از کشور: در دوره قاجار. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۲) تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر. تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
- صفوی، امان‌الله (۱۳۸۳) تاریخ آموزش و پرورش ایران، از ایران باستان تا ۱۳۸۰ هجری شمسی با تأکید بر دوره معاصر همراه با معرفی کلیه

وزرای علوم، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش. تهران: رشد.
طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب (۱۳۵۶) کتاب احمد. به کوشش باقر
مومنی. تهران: شبگیر.

طالبوف، میرزا عبدالرحیم (۱۳۳۶) کتاب احمد. [تهران]: انتشارات گام.
قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجار، بانیان و
پیشروان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کسروی، سیداحمد (۱۳۵۷) تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران.
ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

اقبال قاسمی پویا ۱



دانشنامه نگاری
پژوهشگاه

۱. استادیار بازنشسته پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش